

پژوهشی نو در کاربری پیکرهای انسانی پیش از تاریخ شرق باستان مشکلات تفسیر یک اثر

مرتضی حصاری، حسن اکبری^۲

(دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸)

چکیده

در کاوش‌های باستان‌شناسی به داده‌هایی برخورد می‌شود که به صورت کاملاً آگاهانه و با قصد خاصی تغییرشکل داده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند، یکی از این موارد پیکرهای نمادین هستند. پیکرها از رایج‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی هستند که وجود شمار فراوان آنها نشان از بهره‌گیری از آنها در تمام جوانب زندگی شامل مسائل اقتصادی، اجتماعی و ادراکات می‌گردد. پیکرسازی جهش بزرگ فرهنگی بود که در پارینه‌سنگی جدید رخ داد و نشان‌دهنده یک فرایند پیچیده اجتماعی بود. این‌گونه داده‌ها را نماد اسطوره یا قربانی همچنین الهه‌باروری یا ایزدبانو و تمثال‌های مذهبی و تعدادی نیز مجسمه تزئینی و بازیچه نامیده‌اند. تقریباً در تمامی پیکرهای مادینه نقطه مشترک برهنگی آنهاست و تأکید بر بزرگی سینه و شکم و مهم‌تر از همه تأکید بر باردار بودن و زایمان دارد. پیکرهای گلی معمولاً خردشده و دور انداخته شده‌اند و تعداد اندکی از پیکرهای مادینه گلی یا سنگی و... هستند که شکسته و دورریز نشده‌اند.

در این تحقیق سعی خواهد شد با استفاده از مدارک باستان‌شناختی و مردم‌شناسی، کاربری تعدادی از این‌گونه پیکرها را تبیین نماییم و معتقدیم که این پیکرها در نقاط مختلف جهان با فرهنگ‌های متفاوت به دست آمده‌اند و باید معنا و کاربرد آنها را در متن جامعه، باستان‌شناسی، اسطوره و مردم‌شناسی مبدأ آن داده مطالعه نمود و بدون شک این پیکرها

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، mhessari@yahoo.de

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، hassanakbari181@yahoo.com

نقش بسیار مهمی در آیین جامعه آن روز ایفا می‌نمودند؛ تفسیرهای مختلف نیز شاید بدین دلیل است که کاربری پیکرک‌ها را نیافته و مشکل اساسی در شناسایی کاربری این‌گونه داده‌ها عدم‌شناخت تمامی مسائل عقیدتی است که در فرهنگ مادی و وسایل به جای مانده، نمود نیافته‌اند، همچنین یک تفسیر را نباید به تمامی داده‌های هم‌شکل تعمیم داد، چون کاربری آن‌ها متفاوت است و در انتها با ارائه نمونه‌های مردم‌شناسی امتداد عقاید پیش از تاریخی را تا عصر حاضر مشاهده نمود.

کلید واژگان: اسطوره، پیش از تاریخ، پیکرک زنانه، پیکرک مردانه، کالانشان.

مقدمه

یکی از مدارک باستان‌شناسی که در حفاری‌های باستان‌شناسی به دست می‌آید، پیکرک‌های نمادین هستند که به منظور و اهداف خاصی ساخته و پرداخته شده‌اند. پیکره‌سازی در تمام جوامع و هر جا به دلیل و یا دلایل مشترک رایج بوده است و هنرشناسان و باستان‌شناسان متعددی درباره کاربری این پیکره‌ها در جوامع مختلف تعبیرات و تفسیرات گوناگونی دارند. نمادسازی، تمثال و سه‌بعدی‌سازی جهش بزرگ فرهنگی بود که در پارینه‌سنگی جدید رخ داد. ساخت پیکرک‌های گلی، نمادهای سنگی و گلی، نقوش برجسته و پیکرک‌های مادینه از گل، سنگ و استخوان نشان از یک فرایند پیچیده بود. وجود این پیکرک‌ها یکی از مسائل ادراکی چالش‌برانگیز و بحث‌انگیز در حوزه پیش از تاریخ است. فرآیندی که در آن انسان ادراکات و عقاید خود را توانست از یک مفهوم مطلق ذهنی را تبدیل به بعد نماید و در حقیقت توانست مسائل مربوط به خود را که تا آن زمان با گفتار انتقال می‌داد، دیداری ارائه دهد و پایه رسانه را پی‌ریزی نماید. باید این نکته را یادآور شد که آغاز تغییرات در ذهن انسان در پارینه‌سنگی میانی روی داده است، ولی در پارینه‌سنگی جدید و نوسنگی این موضوع همه‌گیر شده است (جنسن، ۱۳۶۸: ۱۱-۱۵). با ورود انسان به مراحل پیشرفته‌تر مانند نوسنگی و مس‌سنگی، با تغییرات عمده‌ای در امر معیشت و مسائل اجتماعی برخورد می‌نماییم که به احتمال بسیار زیاد بازخورد آن‌ها در موضوعات عقیدتی انسان بسیار بوده و باعث تحولات اساسی در زمینه ادراکات شده است. این مقاله کوششی اندک است بر نشان دادن نقطه‌ای از تاریخ ذهن انسان که شاید باعث ایجاد پرسش‌های جدید در این موضوع شود این مورد را نیز باید یادآور شد که پیچیدگی کار در این است که مسائل عقیدتی در فرهنگ مادی و وسایل به جای مانده نمود نیافته‌اند، و درست است که اشیا تعالی‌بخش از گونه موارد آیینی هستند، ولی تفکیک آن‌ها از

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... _____ مرتضی حصاری و همکار

وسایل عادی برای باستان‌شناسی پیش از تاریخ بسیار پیچیده است. به احتمال زیاد کاربری اشیا ماورایی و متعالی باید توسط یک فرد متعالی و الوهی انجام گیرد، این حضور انسان متعالی را چگونه باید تبیین نمود؟ مکان این مراسم آیینی کجا بوده است؟ و پرسش‌های دیگر که پاسخ به آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد.

در این نوشتار سعی خواهد شد به پرسش‌های زیر که اهداف بحث نیز هست پاسخ داده شود که علت ساخت این پیکرک‌ها چیست؟ آیا این پیکرک‌ها زینتی هستند و اگر نیستند کاربری آن‌ها چیست؟ مشکل تفسیر و تبیین این پیکرک‌ها چیست؟ و چه کسانی توانایی توضیح در مورد این پیکرک‌ها را دارند؟ در این تحقیق سعی شده با نگاهی نو به نقد برخی از پژوهشگران که بیشتر در عملکرد این‌گونه داده‌ها تمرکز یافته‌اند پردازیم، در حالی که شاخصه‌های میان‌فرهنگی کمتر مورد توجه آنان قرار گرفته است. همچنین سعی خواهد شد که مبنای نظری نتیجه‌گیری بر پیکره‌ها، بستر و محل هویداشدن این داده‌ها قرار دهیم و از بعضی مفاهیم انتزاعی همچون مادرخدایی، بازی کودکانه و یا نظام مدرسالاری پرهیز کرده و به این نمادها، کارکرد تک و یا چندگانه با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان و محل یافت آن‌ها قائل شویم.

پیشینه پژوهش

این بخش از مقاله شامل دو قسمت، بخشی مربوط به مطالعات در ایران و بخشی دیگر مربوط به خارج از ایران است. پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز جالب توجه است و جوانب خاصی را مدنظر قرار داده‌اند، هرچند که کامل نیستند. یکی از آن‌ها پایان‌نامه‌ای است که به ریخت‌شناسی پیکرک‌ها پرداخته است (میری، ۱۳۷۳)، همچنین پایان‌نامه دیگری نیز از لحاظ جایگاه زن به بررسی این آثار پرداخته است (فرشی‌همایون‌روز، ۱۳۸۳). در میان مقالات، مقاله‌ای چاپ شده که از دید پرستش و الهه‌گان به این موضوع پرداخته است (زابلی‌نژاد، ۱۳۸۸). این نظر در مقاله دیگر به نوعی مشاهده می‌گردد (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹). در یک پژوهش دیگر این موضوع را بانظر برکت‌دادن به زمین پرداخته‌اند (مرتضوی و سلیمانی، ۱۳۹۰). تحقیقی دیگر درباره پیکرک‌های حاجیلار^۱ نیز که در نوع خود جالب است، منتشر شده است (فیروزمندی و کزازی، ۱۳۸۹). یک کار ترجمه به نسبت کامل هم در گذشته نه چندان دور به چاپ رسیده است (شمانت بشرات، ۱۳۸۰). در سال گذشته نیز مقاله‌ای در مورد پیکرک‌های محوطه‌های هلال حاصل‌خیزی منتشر شده است که کارکرد اقتصادی و باروری زمین را علت ساخت این پیکرک‌ها عنوان می‌نماید (شیرازی و دیگران، ۱۳۹۳). در خارج از

ایران نیز مطالبی مربوط به پیکرک‌ها منتشر شده که مهم‌ترین آن‌ها شامل پایان‌نامه‌ای از برومن^۲ درباره پیکرک‌های جارمو بحث نموده است (برومن، ۱۹۵۸). پیتر یوکو^۳ نیز در کتابی در مورد پیکرک‌های انسانی شرق‌باستان پرداخته و آن‌ها را با نمونه‌های دوره پیش از سلسله‌های مصر و نوسنگی کرت مقایسه نموده است (یوکو، ۱۹۶۸). عفر باریوسف^۴ نیز در مورد پیکرک‌های یک محوطه خیامی در دره اردن مقاله‌ای منتشر نموده است (باریوسف، ۱۹۸۰). داگلاس بایلی^۵ نیز نتیجه تحقیقات خود را با عنوان پیکرک‌های نوسنگی منتشر نمود (بایلی، ۲۰۰۵). ریچارد لژر^۶ نیز در کتابی درباره پیکرک‌های روستانشینی اولیه منتشر نمود و پیکرک‌های زنانه را به عنوان نمادی از یک دین ناشناخته پیش از تاریخی معرفی نمود (لژر، ۲۰۱۱). تمام این نظرات جالب و جذاب است، ولی آیا افکار، احساسات و ارزش‌های انسان هوشمند امروزی بعد از گذشت هزاران سال همان است که در گذشته رخ داده است. آیا افکار ما منعکس‌کننده همان احساسات انسان چند هزار ساله پیش است؟ آیا با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی و زمانی، نگرانی‌های انسان گذشته، جهان‌بینی انسان گذشته و ایدئولوژی او را می‌توانیم با تعدادی پیکرک شکسته تفسیر نماییم و بدانیم در بسیاری از تفاسیر غیرعلمی، پاسخ‌ها منعکس‌کننده فرهنگ‌های انسانی گذشته نیستند، بلکه تعریفی کوچک از بدیهیات فرهنگی هستند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر دارای نظام کیفی و راهبردی است و براساس هدف‌های بنیادی صورت‌گرفته و از نظر روش توصیفی، تطبیقی و تاریخی است. روش یافته‌اندوزی داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و تمامی آن‌ها از منابع معتبر استخراج شده است. مطالعه نمونه‌های مورد نظر و تطبیق آن‌ها با یکدیگر در یک‌بعد زمانی و مکانی صورت پذیرفته است. اساس تحلیل بیشتر متکی بر اطلاعات و یافته‌های کتابخانه‌ای است.

کاربری‌های پیکرک

ساخت پیکرک‌های انسانی سستی طولانی است که در شرق باستان از پارینه‌سنگی جدید آغاز و تا عصر حاضر نیز ادامه دارد. کارکردهای گوناگونی نیز برای این اثر عنوان شده است که می‌توان گفت هیچ کدام از آن‌ها قابل ردکردن نیست، هر چند تعدادی از آن‌ها کمتر منطقی علمی دارند و بیشتر سمت مکتبی دارند تا یک اصل علمی. تعدادی از این فرضیات و نظریات به شرح زیر است. بعضی این پیکرک‌ها را نشان‌دهنده آبرانسان بودن زن انگاشته‌اند (زابلی‌نژاد،

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... _____ مرئضی حصاری و همکار

۱۳۸۸:۳۴) هرچند نشانه‌هایی از فمینیسم در این عقیده مشاهده می‌گردد. در کتابی دیگر که در آن هم نشانه فمینیسم مشاهده می‌شود عنوان می‌کند «به سخن دیگر مردمان متعلق به آن اعصار مؤمنانه ایمان آوردند که جهان نمودی است از تمامیت و کمال جنسی زن و هرگاه این کمال جنسی با روان زنانه نیرومند در جامعه بیامیزد، سعادت و شادمانی جامعه بر مبنای نزدیکی به طبیعت، قابل وصول می‌شود» (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱:۸۰) بعضی عقاید تا به جایی می‌رسند که مدعی می‌شوند این نشستن و تکیه بر زمین نوعی بارورکردن زمین است (گیمبوتاش، ۱۹۷۲:۳۱۹) حتی ویل دورانت معتقد است چون مردان در گذشته از نظر زیبایی‌شناختی صفت فریگی را دلیل مهم زیبایی زن می‌دانستند اقدام به ساخت این آثار نموده‌اند (دورانت، ۱۳۶۵:۱۰۱). بعضی از محققان نیز حتی پیکرک‌های دوکی شکل را نیز جز ایزدبانوان حاصل‌خیزی معرفی نموده‌اند و تمامی پیکرک‌های ساخته شده در ایران پیش از تاریخ تا دوره ساسانی را بدون در نظر گرفتن بُعد زمانی و تغییرات اساسی در بینش انسانی آن‌ها را ایزدبانو می‌نامند (طاهری و طاووسی، ۱۳۸۹). پیکرک‌ها را که به الهه‌گان مادر نسبت داده‌اند (البته بی‌ربط هم نیست) را نمی‌توان همه را به الهه‌گان نسبت دهیم و ارائه این نظرات احتیاج به تفسیر و تحلیل تمامی شرایط اجتماعی دوره پیش از تاریخ دارد.

بعضی نظرات نیز حاکی از قربانی نمودن انسان‌ها نیز می‌نمایند هرچند قوی به نظر نمی‌رسند (لژر، ۲۰۱۱:۴۲). به نظر این محقق وجود پیکرک‌های انسان و حیوان در کنار هم در معابد شاید نشان‌گر قربانی شدن هر دو گونه در قربان‌گاه است. همین پژوهش‌گر پیکرک‌های زنانه را به عنوان یک نشانه از دین پیش از تاریخی معرفی می‌نماید (همان، ۲۲). گروهی از محققین کارکرد اصلی آنان را شخصیت دادن به نیروهای مافوق طبیعی می‌دانند که در جامعه اقامت داشتن و از طریق آنان می‌توانستند رحم آن‌ها را خواستار شده و خشم آن‌ها را فرونشاندند (بیولیو، ۱۹۹۳:۲۴۱) تعدادی دیگر از انسان‌شناسان نیز بحث مادرتباری را مطرح کرده و این‌گونه داده‌ها را نشانه جامعه مادرسالاری می‌دانند (آزادگان، ۱۳۷۲). این در حالی است که اوایل قرن بیستم این نظریه تقریباً بحث و رد شده و سال‌هاست که به فراموشی سپرده شده است (ریوس، ۱۹۸۸:۶). به نظر برخی کاربری مهم این پیکره‌ها نمایش نقش زن در امر تولد بوده است (گارفینکلی، ۲۰۰۳:۹۶). برخی محققین نیز بر این باور بودند که این‌گونه پیکره‌ها اجداد و مردگان جوامع اولیه هستند (ویتل، ۱۹۹۶:۶۶). همین محقق کاربری برخی از پیکرک‌ها را جهت آموزش مسائل جنسی به نوجوانان می‌داند (همان) و نمونه قوم‌شناسی جدید آن را نیز در آفریقا معرفی نموده‌اند (ویت و میدو، ۱۹۸۳:۱۸). برخی نیز کاربری این

پیکرک‌ها را جهت جادوگری و حفاظت اعضا خانواده از بلا یا و چشم‌زخم می‌دانند (رولر، ۱۹۹۹: ۳۷). شماندت‌بسرائر^۷ نیز در یکی از نظرات خود معتقد بود که از این راه به پرستش اموات خود می‌پردازند (شماندت‌بسرائر، ۱۹۹۸: ۱۱۰) و در نظری دیگر بر این باور است که این آثار نشانه اسطوره خلقت با تأکید بر تمایلات جنسی و تولید مثل است (همان، ۱۹۹۷: ۶۰). نظر دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که معتقد است پیکرک زنانه را مردان جهت تحریک زنان ساخته‌اند (نلسون، ۲۰۰۴: ۱۲۹). پیکرک‌هایی در الحبه عراق به دست آمده که با حرارت آفتاب خشک شده‌اند و پژوهش‌گران این آثار را متعلق به کودکان دختر و پسری می‌دانند که به عنوان عروسک از آن‌ها استفاده کرده‌اند، زیرا که استفاده مدام از آنان باعث شکسته شدن آن‌ها شده و بعد از شکستن داخل زباله‌دانی یا محل دورریز انداخته‌اند (شماندت‌بسرائر، ۱۹۹۷: ۴۸). برخی از محققین نیز معتقدند که پیکرک‌های کوچک و قابل حمل گونه‌ای تعامل میان انسان زمینی و جهان ماورایی ایجاد می‌کند (بایلی، ۲۰۰۵: ۲۰)، همچنین محقق‌های کاربری این گونه پیکرک را یآوری و خدمت در جهان پس از مرگ می‌دانند (میرس، ۱۹۳۰: ۴۵). الیاده^۸ نیز معتقد است که این پیکرک‌ها در نقاط مختلف جهان با فرهنگ‌های متفاوت به دست آمده‌اند و باید معنا و کاربرد آن‌ها را در متن جامعه و باستان‌شناسی مبدا آن مطالعه نمود، بدون شک نقش بسیار مهمی در آیین جامعه آن روز ایفا می‌کرده است (الیاده، ۳۷، ۱۹۸۶).

کارکرد زایمان

اولین اشاره در مورد آیین زایمان را یوکو عنوان می‌نماید (یوکو، ۱۹۶۸: ۴۱۶). حال با کمی توصیف ظاهری این گونه از پیکره‌ها را در مورد این کارکرد بحث می‌نماییم. پیکرک‌های زنانه معمولاً برهنه به تصویر کشیده شده‌اند. شرم‌گاه آن‌ها نامعلوم یا کم‌رنگ مشخص بوده، برجستگی سینه زیاد و کاملاً بزرگ است، بدون سر و در اندک موارد با سردوکی یا عادی، ساختار عضلانی نامشخص، چین‌های بزرگ شکم و حجم بزرگ شکم، ران و بازوان مشخصه‌های اصلی این پیکرک‌هاست؛ بیشتر پیکرک‌های زنانه ساکن نشسته‌اند و یا اگر هم ایستاده، بی‌حرکتی در آن نمایان است که از زن باردار جز این نیز انتظاری نیست. معمولاً پیکرک‌ها توپُر ساخته شده‌اند، حالت آن‌ها با پاهای تاشده، سینه از حد متوسط بزرگ‌تر و در مسأله زایمان اغراق دارد. البته نشسته به نمایش گذاشتن شاید بدین دلیل بوده که برای سازنده تعادل بخشی به پیکرک مهم بوده در حالی که پیکرک‌های ایستاده تعادل کمتری دارند و باید

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... _____ مرئضی حصاری و همکار

پشتیبان داشته باشند هر چند که در اواخر دوره نوسنگی و بالطبع در مس‌سنگی پیکرک‌های نشسته بسیار کم‌فروغ هستند.

تقریباً برهنگی در تمامی پیکرک‌های مادینه نقطه مشترک آن‌هاست و تأکید بر بزرگی سینه و شکم و مهم‌تر از همه تأکید بر بارداری بودن زن و زایمان دارد و فقط نشان‌دادن زن بودن نیست. همان‌طور که از مقایسه تندیس زنان یافت شده به سادگی می‌توان فهمید که بخش‌های مربوط به زاینده‌گی یعنی سینه‌ها، شکم و لگن مرکز توجه بوده و سر و دست جنبه فرعی داشته و خلاصه شده است. تحلیل این‌گونه پیکرک‌ها نشان می‌دهد که در ساخت آن‌ها هیچ هدفی از نمایش فرد خاصی نبوده و ملاک فقط نمایش اعضا یک زن در حالت زایمان یا بارداری است، حتی نمی‌توان یا به سختی می‌توان تفاوت سنی برای پیکرک‌ها قائل شد که کدام نشان‌دهنده انسان پیر یا جوان است. پیکرک‌های گلی زنانه معمولاً خرد شده و دورانداخته شده‌اند و تعداد اندکی از پیکرک‌های مادینه گلی یا سنگی و... هستند که شکسته و دورریز نشده‌اند که شاید به این دلیل باشد که هنوز کاربری خود را پیدا نکرده‌اند و شاید کاربری عمومی داشته‌اند. پژوهشی کامل درباره پیکرک‌های زنانه عین الغزال^۹ منتشر شده که نشان می‌دهد نوع کاربری‌های پیکرک‌ها از جنس گل و سنگ تفاوت دارد. در این محوطه پیکرک‌های سنگی قطعاً جنسیت آن‌ها مشخص نیست، بلکه به دلیل چین‌های شکم، حجم بزرگ ران و ساختار عضلانی احتمالاً مؤنث هستند. پیکرک‌های گلی سینه برجسته داشته در حالی که در نمونه سنگی فاقد سینه است، همچنین نمونه‌های گلی در داخل خاکستر و یا فضولات به دست آمده (شماندت‌بسات، ۱۳۸۰: ۴۴)، ولی نمونه سنگی در معبر اصلی روستا یافت شده است. پیکرک‌های سنگی نسبتاً بزرگ و باید به جایی اتکا داشته باشند، ولی انواع گلی کوچک، نشسته و با اتکا هستند. بیشتر پیکرک‌های متلاشی‌شده به عمد منهدم شده‌اند، ولی پیکرک‌های سنگی سالم مانده‌اند (شماندت‌بسات، ۱۳۸۰: ۴۳). در چاتال‌هویوک اتاقی یافت شده به نام معبد قرمز که تمامی آن با رنگ قرمز رنگ‌آمیزی شده بود. در قسمت بالای دیوار اتاق مجسمه‌ای از الهه مادر کار گذاشته شده که پاهایش را باز نموده و در حال زایمان سه گاو نر است. تصاویر دیگری از زنان در حال زایمان در قسمت‌های پایین دیوار ایجاد شده بود که شاید این اتاق جهت اتاق زایمان مورد استفاده قرار گرفته است (تیت، ۲۰۰۵: ۹۳).

با وضعت دوره روستانشینی و احتیاج به نیروی کار فراوان در مزارع، خانواری موفق بود که جمعیت کاری آن زیاد باشد و این موضوع را هم باید در نظر داشت که نرخ مرگ و میر نیز در این جوامع به دلیل رواج بیماری‌های واگیردار خطرناک مانند وبا و طاعون و... بسیار بالا بوده

است. در نظر داشته باشیم که بیشتر پیکرک‌های زنانه موضوع زاد و ولد، آبستنی و نگه‌داری کودک را به‌نمایش می‌گذارند تا فقط نمایش یک زن. به نظر می‌رسد علت وجودی این پیکرک‌ها زایمان و ازدیاد جمعیت است تا الهه بودن یا برکت دادن به زمین، زیرا که خود جامعه کشاورز احتیاج به نیروی کار دارد تا این‌که با ساخت این آثار به زمین برکت دهد. پیکرک‌های مؤنث به سنت طولانی و در یک گستره مکانی بزرگ تعلق دارد که می‌توان گفت آن‌ها را در تمامی نقاط زندگی انسان مانند معابد، زیارتگاه‌ها تا میان فضولات یافت شده‌اند. آیا وجود پیکرک‌های زنانه در دوره نوسنگی و مس‌سنگی نشان قدیمی از الهه‌هایی مانند ایشتار، ناهید، آفرودیت و غیره است که البته یک نظر بسیار ضعیف به نظر می‌رسد، به دلیل این برهنگی و نشانه‌های زایمان، استعاره‌ای از زایمان هستند تا ایزدبانو و این تداوم بلندمدت باعث تغییراتی در نوع ساخت آن‌ها برای پیشرفت‌های فناوری و تغییرات اجتماعی است. افسانه‌ای از یک موجود خیالی در میان ایرانیان به نام آل است که در باور عامه اگر زن تازه‌زا را تنها بگذارند، سراغش می‌آید و به او آزار یا آسیب می‌رساند. آل یک گونه از موجودات اهریمنی در باور مردمان قفقاز، ایران و آسیای میانه و بخش‌هایی از جنوب روسیه است. در باورهای سنتی نقش آل‌ها در تولیدمثل انسان‌هاست، به این دلیل آن‌ها را اهریمن وضع حمل می‌دانند (عنصری، ۱۳۶۱: ۲۲۲). این احتمال وجود دارد که در گذشته برای این‌که موجوداتی مانند آل به زانو صدمه نرسانند یک نظر قربانی مانند این پیکرک‌ها ساخته و آن‌ها را به عمد نابود می‌نموده‌اند و در میان فضولات و یا دورریزهای خود می‌انداختند. البته برای اثبات این فرضیه به مدارک و شواهد محکم و باثبات احتیاج دارد و باید این موضوع را مدنظر داشت که در گذشته نیز برای امور نظر قربانی نیز اعمالی انجام می‌گرفت، برای نمونه در عین الغزال زیر کف ساختمان‌های خود اقدام به دفن پیکرک‌های به شکل مارمولک نموده‌اند که شماندت‌بسرآت براساس متون بین‌النهرینی ثابت نموده که کارکرد این‌گونه پیکرک‌ها جادویی بوده و خانه را از چشم‌زخم و نحوست محافظت می‌کرده است (شماندت‌بسرآت، ۱۹۹۷: ۵۶). پیکرک‌های سگ در عین الغزال باعث ازدیاد روزی و سلامت سگ می‌شده است (همان، ۵۵). در بسیاری از این پیکرک‌ها سر به عمد جدا و در جای دیگر انداخته شده است (کوچت، ۲۰۰۰: ۱۵۰). هرچند که آسیب‌رساندن و شکستن پیکرک‌ها در وهله اول احتمال قربانی کردن و یا از بین بردن دشمن را نشان دهد. برخی محققین این پیکره‌ها را تعویذ و دعا جهت حفظ از بلا یا و ازدیاد و تکثیر آن‌ها می‌داند (الیاده، ۱۳۸۶: ۲۳). البته این امکان وجود دارد که چنین

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... _____ مرتضی حصاری و همکار

کاربری‌هایی در دیگر وسایل نیز باشد و یا این‌که همین شکل پیکرک در نقطه‌ای دیگر کاربری دیگری داشته باشد.

کارکرد پیکرک‌های مردانه

پیکرک‌های مردانه و کاربری آن‌ها تفاوتی با پیکرک‌های زنانه دارند. در تحقیقی جامعی که این اواخر منتشر شده تعداد زیادی از پیکرک‌ها را به مردان نسبت داده و حتی بعضی از پیکرک‌ها را فاقد نشانه‌های جنسیتی معرفی کرده است (لژر، ۲۰۱۱: ۲-۱۶۰). نمونه‌های از هم‌آغوشی پیکرک‌های جفت نیز در آناتولی (ملارت، ۱۹۶۷: ۸۳) و عین صخره اردن (کوک و بوید، ۱۹۹۳: ۳۹۹) یافت شده است. نمونه‌هایی نیز از تپه یحیی (میدوو و لمبرگ کاروفسکی، ۱۹۷۰: ۱۴) و خیامین در لوانت (باریوسف، ۱۹۸۰: ۱۹۳-۱۹۹، شکل‌های ۳-۴) در کاوش‌های باستان‌شناسانه یافت گردیده‌اند که از نظر جنسیت مبهم و یا دوجنسه هستند. در بعضی از محوطه‌ها نیز نمونه‌هایی به دست آمده که بدن زنانه دارای جنسیت مردانه است (استکتیس، ۱۹۷۲: ۲۵-۲۷، جدول ۱، ۵۰: ۵۰: ۱، ۱۹۷۲: ۲۵-۲۷، pl: 50: 1, Steketis). در موربیط نیز ظاهر پیکرک‌های زنانه غیرمعمول است آن‌ها سینه و ناف ندارند (کانتونسون و همکاران، ۱۹۶۶: ۱۷۳-۱۷۰، جدول ۲) (Contenson et al., 1966: 170-173 & pl 2). در عین‌الغزال در نزدیکی امان پایتخت اردن پیکرک‌های شکسته‌ای هویداشده که دارای دو سر هستند (گریسون، ۲۰۰۰: ۴۳). در اسطوره‌های شرق، زایش و بارداری اولیه از یک خدای ازلی به وجود می‌آید، این خدایان در ایران به نام زروان، در بین‌النهرین نامو، در مصر آتوم نامیده می‌شوند. خدای ازلی اسطوره‌های یونان نیز کرونوس است. آیا ممکن است پیکره‌های دوجنسه و یا دوسره نشانه خدای بزرگ ازلی در اسطوره‌ها باشد که بعد از خلق خدایان دیگر به کنار می‌رود که البته این فرض نیز احتیاج به شواهد قوی دارد. از تپه سیلک در لایه‌های متعلق به نوسنگی جدید یک پیکره استخوانی که متعلق به دسته چاقوی سنگی بوده یافت شده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۸۳). این پیکره کمی با دیگر نمونه‌ها تفاوت دارد مردی دو دست خود را گرفته و سر به پایین دارد، به نظر می‌رسد حالت احترام رسمی را ادا می‌نماید، دامن بر تن و کلاهی بر سردارد. احتمالاً این پیکره صرف تزئین تراشیده شده است.

کاربری تجاری و شمارشی

در برخی از محوطه‌هایی که متعلق به دوره‌های آغاز شهرنشینی هستند و به تازگی حفاری شده‌اند، پیکره‌هایی یافت شده‌اند که در مکان‌های خاص هستند، برای نمونه در محوطه سفالین

در پیشوا مکانی که به احتمال زیاد مرکز تجاری بوده تعداد زیادی پیکرک حیوانی متعلق به گوسفند و بز به دست آمده که با گل‌نوشته‌های هم‌زمان خود کاملاً همراهی می‌نمایند، زیرا که متن گل‌نوشته‌ها مربوط به حیوانات مانند گوسفند و بز و فرآورده‌های آن است (حصاری، ۲۰۱۱) و پیکرک‌ها نیز احتمالاً گونه‌ای کالانشان هستند که برای شمارش کالای تجاری به کار می‌روند. این پژوهش به تازگی انجام پذیرفته و احتمال دارد در دیگر محوطه‌ها نیز این موضوع صدق نماید. با توجه به این موضوع که شهرهای اولیه مرکز تهیه و توزیع یک کالا و فرآورده‌های آن هستند و این موضوع که برده‌داری یکی از تجارت‌های گذشته است (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۲)، شاید بعضی از پیکرک‌ها نشان‌دهنده تعداد انسان‌های آماده‌فروش و یا فروخته‌شده باشند، هر چند این موضوع نیز به پژوهشی گسترده احتیاج دارد.

چگونه باید نتیجه گرفت

شایان توجه است که داده‌های باستان‌شناسانه ناقص بوده و تفسیر آن‌ها مخصوصاً اگر به صورت منفرد انجام گیرد بسیار مشکل است و با مجموعه‌ای از شواهد قوی می‌توان نظر یا فرضیه‌ای را اعلام نمود و رسیدن به یک نتیجه باستان‌شناسانه معقول و منطقی به استنتاج‌های دقیق و بسط و گسترش آن به دیگر داده‌هایی احتیاج دارد که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آید. هر چه این داده‌ها کهن‌تر بوده، تفسیر آن‌ها پیچیده‌تر و باید با دقت بیشتری انجام پذیرد مخصوصاً داده‌هایی که متعلق به عقاید و ادراکات مردمان یک دوره هستند. با نگاهی به پراکندگی این پیکرک‌ها متوجه می‌شویم که هم‌اندازه توزیع و پراکندگی انسان‌ها در دوران خود هستند و شایسته است پیش از بحث درباره کاربری‌ها به این پرسش پاسخ داد که بعد از گذشت هزاران سال احساسات و تفکرات انسان‌ها همان تفکرات گذشته است. درست است که از لحاظ گونه در یک رده قرار داریم، ولی گستره جغرافیایی، تفاوت‌های زمانی، تنوعات فرهنگی و اعتقادی احتمالاً از لحاظ تفکر بسیار جدا نموده است و مشخص نیست که نگرانی‌ها و پرسش‌های جهان پیرامون خود همانی است که در حال حاضر مطرح است. البته حذف بعضی تعصبات واهی و باورهای ذهنی احتمالاً ما را در دستیابی به پاسخ‌های مناسب و طرح پرسش‌های هدف‌دار جدید کمک خواهد کرد. در این میان تفسیرهای باستان‌شناسانه فقط گوشه‌ای از بدیهیات را روشن می‌نمایاند. برای نظریه‌پردازی در این موضوع باید از قوم‌باستان‌شناسی و قوم‌نگاری نیز جهت کمک به تفسیر داده‌ها کمک گرفت.

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... _____ مرتضی حصاری و همکار

به هر حال سه اصل کلی تداوم ساخت طولانی‌مدت، استعاری بودن این پیکرک‌ها و نداشتن شاخصه‌های واقعی و احتمالاً تغییرات در تصویرسازی که منعکس‌کننده تغییرات اجتماعی و فناوری است در این پیکرک‌ها وجود دارد.

این‌ها ممکن است نماد اسطوره‌ها یا قربانی برای رفع بلا همراه با جشن و یا مراسم عزاداری بوده است. تعدادی از محققان این‌گونه نمادها را نشان الهه مادر و باروری می‌دانند که دلایل قاطعی برای آن ندارند، یا آن‌که الهه و ایزدبانو هستند که بازهم دلایل آن‌ها ناقص است. پژوهشگران دیگر عقایدی دارند مانند این‌که عروسک، زنان باردار، مجسمه‌های تزئینی و... هستند. علت شکستگی تعداد زیادی از آن‌ها نیز نامشخص است که عمدی یا سهوی است. اگر به عمد بوده آیا در مراسم خاص و یا برای فرد خاصی این شکست انجام گرفته و یا دشمنان برای از بین بردن تمثال‌های مذهبی و ویران نمودن نمادهای مذهبی اقدام به این عمل نموده‌اند. باید در نظر داشت که جنبه ادراکی و مفهومی جامعه پیش از تاریخ بسیار ثقیل و سنگین و دریافت این مفهومات به آسانی میسر نمی‌شود، زیرا که عقاید مانند داده‌های ناقص برجا نمانده‌اند و محو شده‌اند و ما نمود آن‌ها را فقط از همین داده‌های ناقص درک می‌نماییم. آیا این تداوم را می‌توان از پارینه‌سنگی تا عصر حاضر یکسان بدانیم؟ ادوار گوناگون و در مناطق مختلف با فرهنگ‌های متمایز خاص هر منطقه، آیا می‌توان آن‌ها را با یک دید مورد بررسی قرار داد. باید این موضوع را مدنظر داشت که ساخت پیکرک ممکن است در هر منطقه‌ای با یک بینش خاص به خود صورت گیرد و به دلیل همین موضوع حتماً در معنا تنوع داشته و مقایسه نتایج مخصوصاً در گستره مکانی و زمانی زیاد منجر به اشتباه در نتیجه‌گیری می‌گردد. برای این پیکرک‌ها تفسیر واحدی وجود ندارد. اطلاعات باستان‌شناسی و قوم‌نگاری توابع مختلفی و گوناگونی برای پیکرک‌ها عنوان می‌نماید. قطعاً بستر و محل یافت پیکرک‌ها در عملکرد آن‌ها تأثیر دارد و باید بستر داده به دست آمده مورد مطالعه قرار گرفته که چه کاربردی توسط چه گروه‌هایی داشته است؟

پی‌نوشت‌ها

- ^۱ Hacilar.
- ^۲ Broman.
- ^۳ Pete J. Ucko.
- ^۴ Ofer Bar-Yosef.
- ^۵ Douglass W. Bailey.

- ^۶ Richard G. Lesure.
^۷ Denis Schamndet-Besserat.
^۸ Mircea Eliade.
^۹ Ain alghazal.

منابع

- آزادگان، جمشید (۱۳۷۲). *ادیان ابتدایی*، تهران: میراث ملل.
- اکبری، حسن (۱۳۷۸). برده‌داری در هزاره سوم و دوم ق.م در بین‌النهرین، نشریه باستان‌پژوهی، ش ۵ و ۶، صص ۱۳-۱۲.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۶). *چشم‌اندازهای اسطوره*، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر توس.
- جنسن، ه. و (۱۳۶۸). *تاریخ هنر*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن جلد اول: مشرق زمین گاهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- زابلی‌نژاد، هدی (۱۳۸۸). *پیکرک‌های الهه مادر سیمای زن در آثار پیش از تاریخ ایران*، کتاب ماه هنر، ش ۱۳۱، صص ۴۲-۳۴.
- شمانت- بشرات، دنیس (۱۳۸۰). *استعاره‌ای سنگی از آفرینش*، ترجمه سید رسول بروجنی، نشریه باستان‌پژوهی، ش ۸، صص ۴۹-۴۲.
- شیرازی، روح‌الله؛ طاهری، صدرالدین و زهره سلطان‌مرادی (۱۳۹۳). بررسی و تطبیق نخستین پیکرک‌های انسانی در داسه بارور، دو فصل‌نامه مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۳، ش ۸، صص ۷۹-۶۵.
- طاهری صدرالدین و محمود طاووسی (۱۳۸۹). تندیس‌های ایزدبانوان باروری ایران، مجله مطالعات زنان، سال ۸، ش ۲، صص ۷۳-۴۳.
- عناصری، جابر (۱۳۶۱). *انیران مظهر فروغ‌های بی‌پایان، ماهنامه چیستا*، ش ۱۲، صص ۲۳۰-۲۱۷.
- فرشی‌همایون‌روز، پریچهر (۱۳۸۳). *بررسی و مطالعه تحلیلی پیکرک‌های زنان در فلات مرکزی ایران در عهدنوسنگی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- فیروزمندی، بهمن و سیده ماندانا کزازی (۱۳۸۹). جایگاه زن در دوران پیش از تاریخ: مطالعه موردی پیکرک‌های محوطه حاجیلار، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، صص ۱۱۱-۸۹.

پژوهشی نو در کاربری پیکرک‌های انسانی... ————— مرتضی حصاری و همکار

- گیرشمن، رمن (۱۳۷۹). *سیلک کاشان*، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لاهیجی، شهلا و مهرانگیز کار (۱۳۷۱). *هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ*، تهران: روشنگران.
- مرتضوی، مهدی و ساره سلیمانی (۱۳۹۰). پژوهشی بر ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مؤنث عصر نوسنگی (مطالعه موردی: غرب ایران، *مجله مطالعات ایرانی*، سال دهم، ش ۲۰، صص ۲۶۹-۲۹۸).
- میری، سیما (۱۳۷۳). *پیکرک‌های عصر نوسنگی در منطقه غرب و فلات مرکزی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- Bar-Yousef, O. (1980). "A Human Figurine from a Khiamian site in the Lower Jordan Valley", *Paléorient*, Vol. 6, pp. 193-199.
- Beaulieu, P. A. (1993). "An Episode in the fall of Babylon to the Persians", *the Near Eastern studies*, Vol. 52(4), pp. 241-261
- Boyd, B & Cook, j. (1993). "A Reconsideration of the Ain Sakhri figurine", *Proceedings of the prehistoric Society*, Vol. 59, pp. 399-405.
- Broman, V.L. (1958). *Jarmo Figurines*. M.A Thesis: Radcliffe College.
- Contensen, H.de & Liere, W. J. van. (1966). "Second Campagne a Tell Ramad, Rapport Preliminaire". in *L Anthropologie*, Vol 70 (5*6). pp 437-۴۸۳
- Eliade, M. (1986). "*the Encyclopedia of Religion. Paleolithic Religion*", Vol 6, New York.
- Garfinkelly, Y. (2003). "*Dancing at the Down of Agriculture*", Austin: University of Texas Press.
- Gimbutas. Marija (1972). "Pre Hellenic and pre Indo-European Goddesses and God: The Old European Pantheon", in *Acta of the second International Colloquium on Aegean Prehistory: The First Arrival of Indo-European Elements in Greece*, pp: 82-98.
- Grissom C. A. (2000). Neolithic statues from "Ain Ghazal: construction and form", *Archaeology*, Vol. 104, pp: 25-45.
- Hessari, M. (2011). "New Evidence of the Emergence of Complex Societies on the Central Iranian Plateau", *Archaeological Studies 1:2* University of Sistan & Blouchestan, Zahedan, pp.35-48.
- Kuijt, L. (2000). *Life in Neolithic Farming Communities Social Organization, Identify & Differentiation*. Springer.
- Lamberg-Karlowsky, C.C & Meadow. R. (1970). "A Unique Female Figurine", *Archaeology*, Vol. 23(1), pp. 13-17.

- Lesure, G. Richard. (2011). *Interpreting Ancient Figurines, Context. Comparison & Prehistory Art*, Cambridge University Press.
- Mellaart, J. (1967). *Catal Hoyuk, a Neolithic Town in Anatolia*, New York: Mc Graw Hill.
- Myres, J. L. (1930). *Who Were the Greeks?*, California: University of California Press.
- Reeves Sanday, P. (1988). "Matriarchy as a Sociocultural form. An Old Debate in a new Light", *16th Congress of The Indi-Pacific*, Prehistory Association.
- Nelson, S. (2004). *The Archaeology of North East China: Beyond the Great Wall*, London. Routledge.
- Roller, L. (1999). *In the Search of God the Mother*. University of California.
- Schmandet –Besserat D. (1997). "Animal Symbols at Ain Ghazal", *Expedition* 39.1, pp 48-60.
- Schmandet –Besserat. D (1998). "Ain Ghazal Monumental Figures", *Basor* ۳۱۰، □□ ۱-۱۶.
- Stekelis, M. (1972). *The Yarmukian Culture of the Neolithic Period*, Jerusalem: Magna Press.
- Tate, K. (2005). *Sacred Places of Goddess: 108 Destination*, CA, USA: Consortium of Collective Consciousness.
- Ucko, p. j. (1968). "Anthropomorphic Figurines of Predynastic Egypt and Neolithic Crete. with Comparative Material from the Prehistoric Near East and Mainland Greece", London: Andrew Szmidla.
- Voight, M. & Meadow, R. (1983). *Haji Firuz Tepe: Iran the Neolithic Settlement*, Philadelphia: University.Museum, Univ.
- Whittle, A. (1996). *Europe in the Neolithic: The Creation of New Worlds*. Cambridge: New York, Cambridge University Press.